

خیلواکی



استقلال

www.esteqtaal.net

چهارشنبه، ۱۵ سپتمبر، ۲۰۲۱

دکتور نور احمد خالدي

عوامل عمده سقوط دولت افغانستان بدست طالبان

قسمت اول

درست یک ماه از سقوط دولت افغانستان بدست طالبان سپری شده است. در مدت ۱۳ روز، آنها مراکز ولایات را در سراسر کشور، با مقاومت اندک یا بدون مقاومت، تسخیر کردند. بدین ترتیب در پانزدهم اگست ۲۰۲۱، جنگجویان طالبان پس از حملات صاعقه وار که از ماه می، همزمان با شروع خروج نیروهای آمریکایی و ناتو و قراردادهای آنها از افغانستان آغاز شده بود، در حاشیه شهر کابل ظاهر شدند. جنگجویان طالبان بدون مقاومت ارگ ریاست جمهوری را اشغال میکنند در حالیکه قبل از ورود آنها محمد اشرف غنی، رئیس جمهور با همکاران نزدیک خود، از آنجمله حمدالله محب مشاور امنیت ملی و محمود فضلی رییس اداره امور ریاست جمهوری، ارگ را ترک کرده بودند. متعاقباً، در یک پیام ویدیویی به تاریخ هژدهم ماه اگست از امارات متحده عربی، اشرف غنی اظهار داشت که مجبور به ترک کشور شده چون مسئولان امنیتی به او گفته بودند که "توطئه جانی" در کمین او است. او گفت که طالبان پس از خروجش وارد ارگ ریاست جمهوری شده اند و "اتاق به اتاق" می‌گشته اند: "طالبان گفته بودند که تا من در قدرت باشم راه مسالمت آمیزی وجود نخواهد داشت." آقای غنی اظهار داشت که برای جلوگیری از خونریزی و فاجعه افغانستان را ترک کرده و گرنه به گفته او وضعیت افغانستان شبیه سوریه و یمن می شده است.

متعاقباً صحنه های دلخراش تلاش هزاران نفر در میدان هوایی کابل برای خروج از کشور با استفاده از طیارات ترانسپورت قوای آمریکایی بوقوع پیوست که حوادث سال ۱۹۷۳ شهر سایگون در ویتنام را همزمان با خروج امریکاییها در خاطره ها زنده نمود. اما عملیات خروج امریکاییها و سایر قوای ناتو همچنان ادامه یافته بعد از بیست سال اقامت در افغانستان، بتاريخ ۳۱ اگست ۲۰۲۱ آنها خروج کامل نیروهای خود را از افغانستان تکمیل میکنند.

بعد از شروع حملات همه جانبه طالبان در ماه می در تمام کشور، هیچ کسی سقوط ناگهانی اردوی ملی افغانستان را به این سرعت تا ۱۵ آگست سال جاری ۲۰۲۱ پیشبینی نمی کرد. هیچ کسی چه در داخل افغانستان و چه در خارج از آن، حتی طالبان، پاکستان و امریکا، انتظار سقوط برق آسا و غیر مترقبه اردوی ملی تا دندان مجهز و پروفشنل اجیر افغانستان را که توسط بهترین نظامیان امریکایی، آلمانی، انگلیسی و غیره کشورهای غربی تربیه و تجهیز شده بود، نداشتند.

در طول ماه های می، جون و جولای، همزمان با فرارسیدن تاریخ خروج کامل نیروهای خارجی، طالبان حدود نیمی از ولسوالی های افغانستان را در کنترل خود گرفته بودند اما تا آن زمان هیچ یک از مراکز ولایات را تصرف نکرده بودند. در این مدت تمام بنادر سرحدی افغانستان با کشورهای همسایه، به استثنای بندر تورخم در ولایت ننگرهار، و بندر حیرتان در ولایت بلخ بدست طالبان افتاد.

اما سقوط ناگهانی تمام مراکز ولایات افغانستان بدست طالبان در ظرف ۱۳ روز، از دوم تا پانزدهم آگست به ترتیب آتی واقع شد:

دوم آگست، به گزارش مطبوعات نیروهای طالبان شهر هرات، سومین شهر بزرگ افغانستان، را تصرف کرده اند.

ششم آگست، بر اساس گزارش ها از افغانستان، طالبان شهر زرنج، مرکز ولایت نیمروز را تصرف کرده است. در ۵ سال گذشته این اولین باری است که طالبان کنترل مرکز یک ولایت را به دست می گیرند.

هفتم آگست، شهر شبرغان، مرکز ولایت جوزجان را تحت کنترل خود درآوردند. جوزجان یکی از ولایت های کلیدی در شمال افغانستان می باشد.

دوازدهم آگست، طالبان به بی بی سی گفته اند که کنترل قندهار را نیز در دست دارند. یک خبرنگار ساکن قندهار نوشته است که طالبان را در نزدیک اداره ولایت قندهار مشاهده کرده است.

دوازدهم آگست، امروز در پی سقوط شهر غزنی به دست طالبان وزارت داخله افغانستان گفت که محمد داوود لغمانی، والی ولایت غزنی، همراه با معاون و رئیس دفترش از سوی نیروهای امنیت داخلی وزارت داخله در ولایت میدان وردک به جرم سپردن ولایت به طالبان بازداشت شدند.

سیزدهم آگست، ولایت لوگر هم سقوط کرد/ طالبان به هفتاد کیلومتری جنوب کابل رسیدند.

سیزدهم آگست، امریکاییان تمام اسناد سفارت امریکا را در کابل منهدم نموده آتش زدند تا بدست طالبان نه افتد.

چهاردهم آگست، خبرنگار آناتولی اعلام کرد که شهر جلال آباد مرکز این ولایت به دست طالبان سقوط کرده است. وی افزود گروه طالبان در اطراف جلال آباد مستقر شده‌اند.

چهاردهم آگست، خبرنگار رویترز به نقل از یک مقام محلی گفت که طالبان بر شهر مزار شریف مسلط شدند و نیروهای دولتی به سمت مرزهای ازبکستان فرار کردند. گفته می‌شود عطا محمد نور و مارشال دوستم که از شهر دفاع می‌کردند به سمت بندر حیرتان و کشور ازبکستان رفته‌اند. بدین ترتیب بعد از سقوط شهرهای قلعه نو و هرات، از دوم آگست تا چهاردهم آگست مراکز ۲۵ ولایت در افغانستان به دست طالبان افتاده است.

چهاردهم آگست، میدان شهر مرکز ولایت وردگ بدست طالبان افتاد.

چهاردهم آگست، به گزارش اقتصادنیوز به نقل از خبرنگار سایت افغانستان خبرگزاری فارس، "طالبان به نزدیکی کابل رسیدند. گفته می‌شود درگیری‌ها در حومه شهر کابل و در شهرستان‌های پغمان و پروان جریان دارد.

در همین سی‌ان‌ان گزارش داد نظامیان آمریکایی وارد ارگ ریاست جمهوری افغانستان شده و یگان ویژه و گارد ریاست جمهوری را خلع سلاح کرده‌اند." اما این خبر بطور مستقلانه تایید نشده است و در سایت سی‌ان‌ان هم نیست. ۳ چرخبال در محوطه ارگ مستقر است. گفته می‌شود که ۳ پاسگاه امنیتی پغمان به تصرف طالبان درآمده است.

پانزدهم آگست، جنگجویان طالبان بدون مقاومت ارگ ریاست جمهوری را اشغال میکنند در حالیکه قبل از ورود آنها محمد اشرف غنی، رئیس جمهور، با همکاران نزدیک خود، حمدالله محب مشاور امنیت ملی و محمود فضلی رییس اداره امور ریاست جمهوری، ارگ را ترک کرده بودند.

پانزدهم آگست، ملا عبدالسلام ظریف سفیر سابقه طالبان در پاکستان در کابل اظهار داشت که حامد کرزی شب گذشته دوبار به او زنگ زده و اصرار نموده بود که رییس جمهور اشرف غنی از کابل رفته است و به جنگجویان طالبان اطلاع دهید که داخل شهر شوند.

طبق برآوردهای پوهنتون براون، پس از ۲۰ سال که هزاران نفر جان خود را از دست دادند و مخارج بالغ بر ۲/۲ تریلیون دالر شد. تصاویر چشمگیر خروج امریکا از سایگون تکرار شد هرچند در این مناسبت به میزان بسیار بیشتری. چگونه ممکن است این اتفاق بیفتد؟ چگونه طالبان به این سرعت قدرت را در دست گرفتند؟ نیروهای امنیتی افغان پس از ۲۰ سال آموزش و آمادگی توسط نیروهای بین المللی و پس از صرف بیش از ۸۰ میلیارد دالر باید آماده میبودند و با تعداد ۳۵۰،۰۰۰

واحد بین اردوی ملی و قوای پولیس، جمهوری افغانستان باید حداقل در برابر عملیات طالبان مقاومت می کرد.

عوامل این سقوط غیر مترقبه چه بود؟

حتی لوی درستیز قوای مسلح، وزیر دفاع و رییس جمهور امریکا هم غافل گیر شدند؟ به گفته مارک میلی لوی درستیز اردوی های سه گانه امریکا "هیچ چیزی را من و یا دیگران مشاهده نکردیم که نشان دهنده سقوط قریب الوقوع دولت افغانستان در ۱۱ روز بوده باشد." حتی آنها هم تصور نکردند که خروج امریکا از میدانهای جنگ سبب سقوط گردید زیرا امریکاییها در پنج سال گذشته در جنگهای زمینی با طالبان اشتراک نداشتند.

متأسفانه در افغانستان جستجو و یافتن پاسخهای حقیقی و دلایل اصلی این سقوط بزرگ برای یک کتله وسیعی از تحصیل یافته ها خریدار ندارد زیرا آنها قبلاً دلایل این سقوط را در ذهن خود یافته اند و به این آسانی حاضر به تغییر دادن آن نیستند. جامعه تحصیل یافته و بخصوص سیاسیون افغانستان از سال ۱۹۹۲ میلادی یعنی با به قدرت رسیدن گروههای مجاهدین اسلامگرا به اینطرف بر اساس خطوط قومی و زبانی تقسیم شده اند. این تقسیم بندی به خصوص میان رهبران سیاسی و تحصیل یافته گان تاجیک به رهبری تنظیم جهادی "جمعیت اسلامی" و حامیان آنها در جامعه تاجیکان افغانستان و همچنان جامعه تحصیل یافته هزاره، بخصوص رهبران سیاسی آنها در وجود حزب وحدت و حامیان آنها در میان جامعه هزاره افغانستان، در مقابل پشتونها شایع و برازنده شد. بخصوص بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی و تشکیل دولت جمهوری اسلامی افغانستان به مرکزیت اتحاد شمال (تنظیمهای جمعیت اسلامی تاجیکتبار، وحدت اسلامی هزاره تبار و جنبش اسلامی ترکتبار)، اوج گرفت و با هجوم فرهنگی ایرانی از طریق انحصار رسانه های چاپی، رادیویی، تلویزیونی و انترنتی به یک فرهنگ ضد افغانستان، ضد افغان، ضد ملی گرایی و ضد پشتون در میان این گروهها و حامیان آنها مبدل گردید.

با چنین یک طرز دید ضد پشتون و ضد ملی، برای این گروهها تمام پشتونها طالب و یا حداقل حامی طالبان اند. آنها یقین دارند که در طول بیست سال گذشته رهبران پشتون، منجمله حامد کرزی و اشرف غنی از طالبان حمایت کرده و جنگجویان طالبان را که عمدتاً مسکونین دهات پشتون نشین میباشند به شمال افغانستان منتقل نموده و مسلح ساخته اند و بالاخره با خروج قوای امریکایی و ناتو دولت و اردوی ملی را به طالبان تسلیم کرده اند. برای آنها طالبان را "برادر"

خطاب کردن توسط حامد کرزی و آزاد کردن زندانیان پشتون تبار که دلایل کافی جرمی در دوسیه های آنها موجود نبود توسط اشرف غنی دلایل ثبوت طالب بودن آنها میباشد.

اما دریافت علل و زمینه های سقوط غیر مترقبه دولت و اردوی ملی افغانستان برای روشنفکران افغانستان از اهمیت خاصی برخوردار است. با وجود مشکلات و نارساییهای زیادی که در اداره دولت موجود بود، ملیونها روشنفکر افغان امیدهای زیادی به یک آینده درخشان، و یک افغانستان پیشرفته، دموکرات و متمدن در چوکات دولت جمهوری اسلامی و قانون اساسی سال ۲۰۰۴ داشتند. اما پیروزی طالبان با ایدیولوژی حاکمیت شریعت اسلامی مطابق تفسیر طالبانی که در هیچ کشور دنیا حاکمیت ندارد، این امیدها را به خاک یکسان نمود. بنابر آن به سوالات زیادی در این زمینه باید جواب داده شود تا نسلهای آینده ما یک برداشت تاریخی روشنی از این چرخش قهقرایی داشته باشند.

با آنکه تاکنون علل و دلایل و معاملات پشت پرده که چنین سقوط غیر مترقبه را در پی داشت، کاملاً روشن نیست و به یقین با گذشت زمان واقعیتها روشنتر خواهند شد، اما در این مقاله کوشش میشود پارچه های بزرگ، کوچک و پراکنده این معمای پیچیده عصر کنار هم گذاشته شوند تا بتوان با استفاده از آنها یک تصویر کلی روشنتری را از آنچه واقعاً رخ داد ارائه کرد.

امرالله صالح، معاون اول رئیس جمهور افغانستان که خود را رئیس جمهور موقت می نامد، فهرستی از دلایل سلطه نهایی طالبان ذکر کرده و از جمله به تحمل فعالیت های این گروه از سوی آمریکا و متحدانش و مشروعیت بخشی به آن از طریق مذاکرات دوحه اشاره داشت. به گزارش ایسنا، امرالله صالح در ۲۸ اگست در مصاحبه با شبکه تلویزیونی نیوز ۱۸ هند گفت: «بسیار واضح است که طالبان هرگز تحت فشار نبود. آنها از پاکستان به عنوان پایگاه پشتیبانی خود استفاده کردند. نه پناهگاه. بلکه کل پاکستان در خدمت طالبان بود. ایالات متحده تلاش کرد تا پاکستان را به همکاری ترغیب کند. هرچه آنها پول بیشتری پرداختند، پاکستانی ها ترغیب شدند تا خدمات و کمک های بیشتری به طالبان ارائه دهند، بنابراین مسئله این دولت هسته ای که از تروریسم و شبه نظامی گری علیه متحدان غربی در افغانستان حمایت می کند، هرگز مورد رسیدگی قرار نگرفت. موصوف افزود مذاکرات بین افغان ها در دوحه قطر همچنین به مشروعیت بخشی به طالبان که به تعهداتش پایبند نبوده و کل جامعه بین الملل را فریفته است، کمک کرد.

به گزارش دویچه ویلی تاریخی ۱۷ اگست ۲۰۲۱ نینس استولتنبرگ، دبیرکل پیمان نظامی ناتو، گفته است^{iv} که این پیمان از پیروزی سریع طالبان در افغانستان «متعجب» شد. او رهبری افغانستان را

مقصر این تراژدی عنوان کرده است. دبیرکل پیمان ناتو در ارتباط به اوضاع افغانستان پس از فروپاشی حکومت گفت: «سرانجام رهبری سیاسی افغانستان در ایستادگی در برابر طالبان و دستیابی به راه حل صلح آمیز که افغان‌ها نومیدانه خواستارش بودند، ناکام شد.» استولنتبرگ ادامه داد: «ناکامی رهبری افغانستان منجر به تراژدی‌ای شد که ما امروز شاهدش هستیم.» او گفت که هدف ناتو در افغانستان کمک به ایجاد یک دولت تداوم‌پذیر بود، نه حضور دائمی. او فروپاشی حکومت در برابر طالبان بعد از ۲۰ سال تلاش را یک تراژدی عنوان کرد.

رئیس‌جمهور بایدن با عجله مسولیت سقوط را به دوش اردوی ملی افغانستان گذاشت! بعد از این سقوط رئیس‌جمهور بایدن گفته بود: "سربازان امریکایی نمی‌توانند و نباید در جنگی بکنند و در جنگی بمیرند که سربازان افغان حاضر نیستند برای خودشان بکنند."

اما به شهادت سرفراز یک افسر کوماندوی افغان در حقیقت جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، دروغ گفته و باید خجالت بکشد. این افسر اظهار داشت که "ما ۷۰ هزار نفر را در جنگ از دست دادیم و از سال ۲۰۱۴ به اینطرف ۹۵ درصد تمام عملیات جنگی را ما انجام داده‌ایم. درست زمانی که در حال پاکسازی بودیم، امریکاییان زنجیره تامین پشتیبانی هوایی و ارتباطات مخابراتی ما را متوقف کردند. آنها دستان ما را از پشت بستند."

اما اردویی که از سال ۲۰۱۴ به این طرف مسئول بیش از ۹۵ درصد عملیات نظامی بوده است چگونه ناگهان مانند یک پارچه قند آب شدند و طالبان قادر شدند با مقاومت کمی دوباره قدرت را به دست بگیرد.

در حقیقت با خروج پانزده هزار تکنیشن‌ها و قراردادی‌های خارجی که مسولیت ترمیم و آماده‌سازی قوای هوایی و وسایط نظامی اردوی ملی را به عهده داشتند این اردو قابلیت عملیاتی خود را از دست داد.

باخت در جنگ هرگز شادی آور نیست، اما هیچکس تصاویر شکست، فرار و بی‌نظمی را در این ابعاد هرگز تصور نمی‌کرد. همه ما شاهد تصاویری بوده‌ایم که نشان‌دهنده بار سنگینی از غفلت، شکست و سوء مدیریت دولتهای پیهم امریکا و افغانستان و بخصوص دو دولت اخیر امریکا دونالد ترامپ و جو بایدن خواهد بود.

ما بر روی چند عامل اصلی تمرکز می‌کنیم که پیروزی طالبان را توضیح می‌دهد. سناریوهایی که رخ داده است که مکمل یکدیگر هستند، در حالیکه به طور قطعی وزن و تأثیر نسبی هر یک از آنها

را که در شکست دولت افغانستان داشته اند نمیتوان بیان کرد اما این قدر میدانیم که همه آنها قاطعانه به آنچه اتفاق افتاده کمک کرده اند:

پایان قسمت اول

i بی بی سی سرویس فارسی ۱۸ آگست ۲۰۲۱

ii به نقل از صدای امریکا، ۱۸ آگست ۲۰۲۱

iii گزارش ایسنا، ۲۸ آگست ۲۰۲۱

iv گزارش دویچه ویلی تاریخی ۱۷ آگست ۲۰۲۱ ینس استولتنبرگ